داستان، مردم و نویسنده (گزارش همایش بررسی داستان عامه پسند)

خدادوست، ابراهیم

به همت دفتر مطالعات ادبیات داستانی،همایش بررسی داستان‏های عامه‏پسند، با حضور جمعی از نویسندگان،منتقدان و مترجمان،روز پنج‏شنبه بیست و هشتم‏ دی ماه در شهر زاهدان برگزار شد.در ابتدا کرباسچی،مدیر کل فرهنگ و ارشاد سیستان و بلوچستان به شرح عملکرد ارشاد استان پرداخت و ضمن ارائه آمار،به‏ رشد فزاینده محصولات فرهنگی از جمله چاپ کتاب،انتشار نشریات تخصصی‏ و تأسیس کتابخانه اشاره کرد و گفت:«این رشد سریع نشانهء رویگرد مردم استان‏ به مسایل فرهنگی است و ما در کنار تولید محصولات فرهنگی،انجمن‏های شعر و ادب را در سراسر استان راه‏اندازی کرده‏ایم.همچنین کنگره‏های سراسری شعر در شهرهای مختلف از جمله زابل برگزار شد که نتیجه بسیار خوبی داشت و شاعران‏ جوان ما با پیشکسوتان شعر آشنا شده و از نزدیک ملاقاتشان کردند.علاوه بر این‏ ما جلسات نقد و بررسی داستان را نیز برگزار می‏کنیم.»

سپس حجت الاسلام سلیمانی امام جمعه زاهدان در خصوص زبان آثار ادبی و ضرورت نزدیکی این آثار با زبان عامه مردم سخن گفت.وی در تبیین این نکته‏ گفت:«خواننده داستان مردم هستند و لاجرم زبان داستان باید برای آنها قابل فهم‏ باشد.اگر به آثار ماندگار گذشته نگاه کنیم یکی از رموز ماندگاری‏شان همان زبان‏ قابل فهم مردم بوده است.»

نخستین سخنران تخصصی این مراسم محمد قاسم‏زاده،نویسنده و برنده جایزه‏ پائلو کوئیلو بود.او از ادبیات عامه‏پسند به‏عنوان واقعیتی انکارناپذیر یاد کرد و گفت: «این ادبیات نوپاست و ریشه در ادبیات شفاهی ما دارد.نه تنها در کشور ما که در سراسر جهان چنین است.سابقه قصه‏گویی در ایران و در کشورهایی که سابقه‏ تمدن دارند،این امر را به خوبی نشان می‏دهد.اما زمانی که ادبیات شفاهی به‏صورت‏ مکتوب درآمد،دو شق پیدا کرد.یک شق خلاقه و یک شق عامه‏پسند.» قاسم‏زاده در ادامه به تقسیم‏بندی ادبیات عامیانه غرب پرداخت و گفت:«داستان‏های‏ عامه‏پسند غربی را در 8 مقوله تقسیم‏بندی کرده‏اند؛اول داستان‏های پلیسی و کارآگاهی،دوم داستان‏های جاسوسی،سوم داستان‏های وهم‏انگیز،چهارم‏ داستان‏های عاشقانه،پنجم داستان‏های تاریخی،ششم داستان‏های جادویی،هفتم‏ داستان‏های عرفانی،هشتم داستان‏های علمی و تخیلی.»

وی سپس به ارائه آمار آثار عامه‏پسند در سال 79 پرداخت و گفت:«در این سال‏ 530 داستان و رمان منتشر شده.مجموع تیراژ این 530 کتاب یک میلیون و هشتصد و چهل و دو نسخه بوده است.نفر اول فهیمه رحیمی است با 136 هزار تیراژ،نفر دوم زویا سیناپور با 70 هزار،نفر سوم مریم امینی با 45 هزار تیراژ،نفر چهارم نسرین‏ قدیری با 35 هزار تیراژ،نفر پنجم حسین کریم‏پور با 25 هزار تیراژ،نفر ششم عباس‏ سپهری با 20 هزار تیراژ،نفر هفتم نازی صفوی با 17700 تیراژ،نفر هشتم مهدی‏ اعتمادی با 16600 تیراژ و جالب اینکه در همین سال پرفروش‏ترین نویسندگان‏ ادبیات خلاق ما محمود دولت‏آبادی و هوشنگ گلشیری هر کدام با یازده هزار تیراژ بوده‏اند که به نفر هشتم هم نمی‏رسند.»

او در بخش آخر سخنانش به داستان‏های عاشقانه اشاره کرد و گفت:«این داستان‏ها در ادبیات عامه‏پسند حرف اول را می‏زنند.از نخستین نمونه‏های این داستان‏ها رمان فرنگیس سعید نفیسی را نام برد،اما در همین داستان‏ها هم تنها به عنصر احساسات توجه می‏شود و اگر قیدوبندی هم نباشد به مسائل جنسی.» در ادامه،سلمان صالح‏زهی،نمایشنامه‏نویس،داستان‏نویس و شاعر اهل سیستان‏ و بلوچستان سفرنامه‏ای با نام شاتو را برای حضار قرائت کرد. حسن میرعابدینی محقق و پژوهشگر معاصر،دومین سخنران همایش بود.او ضمن اشاره به خصلت سرگرم‏کنندگی و عنصر کشش در داستان‏های عامه‏پسند گفت:«رمان متعالی یا رمان پیشرو با نیت ایجاد پرسش و ایجاد چون و چرا نوشته‏ می‏شود.رمان عامه‏پسند بیشتر درپی برانگیختن اشتیاق خواننده به ادامه داستان‏ است و اینکه بداند بعد چه خواهد شد.ازاین‏رو عجیب نیست اگر در داستان‏های‏ عامه‏پسند سر هر بزنگاهی با یک حادثه تحیرآور روبرو شویم که غالبا مبنایی ندارد جز تصادف یا اشتباه.»

او در ادامه ضمن برشمردن ویژگی‏های دیگر رمان عامه‏پسند گفت:«نکته دیگر اینکه از نظر جامعه‏شناختی ادبی این رمان‏ها خیلی آشکارتر از رمان‏های متعالی‏ احساس‏ها،آرزوها و تمنیات توده ساکت خواننده را انعکاس می‏دهد.به همین‏ خاطر هم هست که اغلب کسانی که راجع به داستان عامه‏پسند بررسی کرده‏اند، از جمله کسانی مثل آنتونیو گرامشی بیشتر از آن‏که به ظرایف ادبی متن توجه‏ کنند،به گیرنده متن یا مصرف‏کننده متن توجه کرده‏اند و کوشیده‏اند بین ساختار رمان دنباله‏دار عامه‏پسند و ساختار آرزوها و تمنیات توده خواننده آن،نوعی ارتباط برقرار کنند.»

او همچنین گفت:«اگر بنیان ادبیات پیشرو را تخیل بدانیم،بنیان ادبیات عامه‏پسند خیال‏پردازی است که بیشتر نوعی مفر و گریزگاه است.یکی از عمده‏ترین راههای‏ 2Lدامن زدن به خیال‏پردازی،ساخت یک الگوی قهرمانانه برای خواننده است. شخصیت‏های این داستانها یک انسان معمولی و انسان قرار گرفته در موقعیت‏ نیستند.انسانی که دارای نقاط قوت و ضعف انسانهای عادی باشد.» داستان‏خوان دوم مراسم ناصر نخزری مقدم از داستان‏نویسان جوان خطه سیستان‏ و بلوچستان،داستان«شکار»از مجموعه غریبه را خواند.

در بخش دوم همایش،میزگرد تخصصی با حضور رضا سید حسینی حسن‏ میرعابدینی محمد قاسم‏زاده محمد جواد جزینی و رضا نجفی برگزار شد.رضا سید حسینی درباره ادبیات عامه‏پسند و سیر تاریخی آن گفت:«رمان پاورقی فقط در فرانسه است.آن هم در رمان قیوتون است.این قیوتون بعدها از فرانسه به‏ زبان‏های دیگر هم راه باز کرد و اغلب به معنی سری و سریال است.رمان پاورقی‏ فقط در ایران وجود دارد و ما خیلی خوب آن را گرفته‏ایم.البته کلمه پاورقی فقط در ایران وجود داشته است.در کتب خطی قدیم و کتاب‏های چاپ سنگی که شماره‏ صفحه نداشت،کلمه اول صفحه بعد را زیر آخرین سطر صفحه قبل می‏نوشتند. به این میگفتند پاورق یا پاورقی و کلمه پاورقی را وقتی رمان قیوتون در ایران‏ مطرح شد،روی آن گذاشتند.اولین رمانی که در روزنامه‏ها به شکل پاورقی چاپ‏ شد،رمان پیردختر اثر بالزاک بود و در 19 شماره چاپ شد و یک دفعه تیراژ روزنامه‏ را بالا کشید.رقیب این روزنامه با الکساندر دوما قرارداد بست.الکساندر دوما یک‏ اثر کوچک نوشت مخصوص این کار.اما این رمان‏ها عامه‏پسند نبودند.نسل‏ رمان‏های پاورقی عامه‏پسند با اسرار پاریس شروع شد.اول قرار بود دو جلد باشد اما تا 8 جلد رسید و بعد روزنامه‏ای دیگر برای مقابله با روزنامه«دبو»که اسرار پاریس‏ را چاپ می‏کرد یکی را فرستاد لندن تا بررسی کند و چیزی شبیه اسرار پاریس بنویسد. آن وقت ماجرای ایرلند وجود داشت.او قهرمانی با مشخصات یک قهرمان‏ شکست‏ناپذیر که تصمیم گرفته بود تا انگلیسی از بین نرود بجنگد،ساخت.این‏ رمان‏ها تیراژها را بالا برد.این‏طور بود که رمان پاورقی باب شد و البته حالا دیگر از مد افتاده.»

محمد قاسم‏زاده به دیوان حافظ اشاره کرد و گفت:«حافظ را همه می‏خوانند و به نوعی‏ ادبیات عامه‏پسند است اما تفاوتش با داستان‏های عامه‏پسند امروز این است که‏ حافظ از محک زمان‏های مختلف گذر کرده تا به امروز رسیده است.حافظ برخلاف‏ ادبیات عامه‏پسند امروز ابتدا از نظر خواص و اهل فن گذشته و سپس مردمی شده‏ و این با ادبیاتی که مورد توجه خواص و اهل فن نیست و تنها مورد توجه‏ غیرمتخصصان و عموم مردم است تفاوت دارد.»

رضا نجفی در پاسخ پرسشی که خواستار تعیین تعریف روشنی از ادبیات عامه‏پسند و جایگاه آن شده بود،گفت:«تعریف مشخصی در دست نیست و همین سنگ‏ بنای خیلی از اختلاف‏هاست.اگر ادبیات عامه‏پسند را ادبیاتی بدانیم که زیاد خوانده‏ می‏شود و مورد استقبال عموم قرار می‏گیرد،دارای طیفی است که یک سوی آن‏ ادبیات نازل و سرگرم‏کننده است و سوی دیگر آن ادبیاتی است که علاوه بر اقبال‏ عامه مردم مورد استقبال نخبگان نیز قرار می‏گیرند.مانند هزار و یک شب و یا خیلی از آثار هدایت که مورد توجه عامه مردم نیز هست.اگر بنا را بر طیف اول‏ بگذاریم این ادبیات سودمندی‏هایی هم خواهد داشت و از آن جمله می‏توان ترغیب‏ مردم را به خواندن و سوق دادن آنها به سمت ادبیات جدی‏تر را برشمرد.» در ادامه شرکت‏کنندگان میزگرد به سؤالات حضار پاسخ دادند.این پرسش و پاسخ‏ نزدیک و گرم تا دیروقت ادامه داشت.

پیروز قاسمی سرپرست دفتر مطالعات ادبیات داستانی وزارت ارشاد در مورد همایش‏ گفت:«نزدیک به چهل نویسنده و دست‏اندرکار ادبیات در یک سفر دو روزه در یک‏ شهرستان نظرات خودشان را دربارهء یک موضوع به هم‏اندیشی گذاشته‏اند و حاصل‏ این هم‏اندیشی هم منتشر شده است.نفس این برنامه خودش ارزشمند است.» او در خصوص برنامه‏های آینده دفتر مطالعات گفت:«ترجیح ما این است که مجری‏ این قبیل همایش‏ها نباشیم و روزی برسد که بخش‏های غیردولتی مرتبط با ادبیات‏ داستانی خودشان بدون دخالت ما،این نوع مراسم را برگزار کنند.منتهی تا رسیدن‏ به چنین زمانی راه درازی در پیش داریم و تا آن هنگام برگزاری این همایش‏ها را وظیفهء خودمان می‏دانیم.»

از نکات مثبت و قابل ذکر این همایش می‏توان به چاپ کتابی تحت عنوان بررسی‏ ادبیات عامه‏پسند حاوی 13 مقاله از میهمانان همایش اشاره کرد.گرچه این کتاب‏ در کنار مقالات تخصصی و سطح بالا که نشان از توجه و دقت نگارنده آن داشت، حاوی مقالات سطح پایین و نازل نیز بود که نشان از ساده‏گیری و عدم دقت نگارنده‏ آن است،اما فرصتی بود برای آشنایی بیشتر شرکت‏کنندگان در همایش با موضوع‏ ادبیات عامه‏پسند.

از دیگر ویژگی‏های همایش،برپایی نمایشگاهی از آثار و کتب میهمانان این همایش بود که زمینه آشنایی بیشتر با این نویسندگان،منتقدان و مترجمان را فراهم کرد.همچنین برگزاری دو نشست‏ تخصصی دربارهء ادبیات عامه‏پسند و ضرورت آموزش‏ داستان از دیگر نکات مثبت و برجسته این همایش‏ بود.

نظر بعضی از شرکت‏کنندگان در این همایش‏ قاسم علی فراست:«با همه فایده‏هایی که این‏ سفرها دارند،جای یک کار در این سفره‏ها خالی‏ است و آن شناسایی داستان‏نویسان جوان آن‏ استان است.اساتید و هنرمندان میهمان با مسئولین آن استان باید هماهنگ کنند و کلاسها و جلسات ماهانه‏ای با حضور این‏ نویسندگان جوان برگزار کنند و هر ماه‏ یک نویسنده به آنها سربزند و شاهد کارهای آن دوستان باشد.اگر این‏ سفرها نتواند یک جریان فرهنگی در استان‏ها ایجاد کند،به همه فایده‏هایی‏ که می‏تواند داشته باشد،نرسیده است. به‏عنوان مثال در بندرعباس‏ نویسنده‏های جوان را شناسایی‏ کردیم و مدتها نویسندگان با آنها در ارتباط بودند و کارهایشان را می‏خواندند.»

ابراهیمی الوند:«همت و توجه‏ بیشتر مسئولان محلی در برگزاری‏ این نشست‏ها برای رسیدن به‏ هدف‏ها بسیار مؤثر است.برای اثبات‏ این نکته می‏توان به دو همایش‏ برگزار شده در رشت و زاهدان اشاره‏ کرد.در همایش رشت،حضور مسئولان ارشاد چنان بی‏رنگ بود که‏ گاهی تصور می‏شدبخش خصوصی‏ چنین همایشی را برگزار کرده‏ است.ولی در زاهدان حضور مسئولان‏ به‏ویژه آقای کرباسچی چنان پررنگ‏ بود که باعث دلگرمی می‏شد. درعین‏حال اگر شهرهای برگزارکننده‏ بتوانند با برنامه‏ریزی قبلی نویسندگان و مترجمان استان را بسیج کنند تا در تمام‏ جلسه‏های نشست شرکت کنند و با همتایان‏ میهمان خود آشنا شوند،بدون شک به‏ دستیابی آنان به امکانات و استفادهء آنان از تجربه‏های دیگران منجر خواهد شد.شخصا همیشه مترصد دیدار همکاران مترجم در این‏ نشست‏ها بوده‏ام.»

سید علی کاشفی:«در مجموع همایش خوبی بود. البته اگر واقع‏بین باشیم،باید بپذیریم که از این‏ همایش‏ها چندان توقع بحث‏های جدی و کاربردی‏ نمی‏توان داشت و بیشتر به یک طرح موضوع و پرسش‏ جمعی می‏ماند و فی المثل مراحلی که یک سمینار علمی‏ اعم از هیئت علمی،فراخوان،بررسی مقالات و...دارد،در مورد این همایش‏ها صدق نمی‏کند.نکته مثبت این همایش‏ها آشنایی بیشتر نویسندگانی است که با هم همسفر می‏شوند و همین‏طور ملاقات با نویسندگان خوب هر شهرستان.و قشنگی‏ سفرها به بحث‏های غیررسمی نویسندگان برمی‏گردد.» در این سفر هر شب تا نیمه‏های شب بیشتر نویسندگان در لابی هتل به‏ بحث دسته‏جمعی اما غیررسمی می‏پرداختند.